

به نام چاشنی بخش زبان ها

درس ۱۱ علوم و فنون ۳

تهیه و تنظیم: نسیم مراقی دبیر مرکز فرزندگان ۲ اهواز

آموزش پرورش نامیه ۱ اهواز



وزن در شعر نیمایی

در شعر سنتی هر مصراع از تعدادی هجای یکسان تشکیل شده است. به بیت زیر دقت کنید.

هم قصه ناموده دانی / هم نامه نانوشته خوانی
هم قصص ص ی نا ن مو د دا نی
هم نا ه ی ی نا ن و ش تِ فا نی

همانطور که در بیت بالا می بینید تعداد هجاهای مصراع نخست با مصراع دوم یکی است.

تفاوت سخن نیمایی و شعر نو، به هم ریختن این همسانی است.



و هر سازی که می بینم بد آهنگ است

و هر سا زی / ک می بی نه / بَ دا هن گست

— — — U / — — — U / — — — U

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

بیا ره توشه برداریم

بَ یا ره تو / ش بر دا ریم

— — — U / — — — U

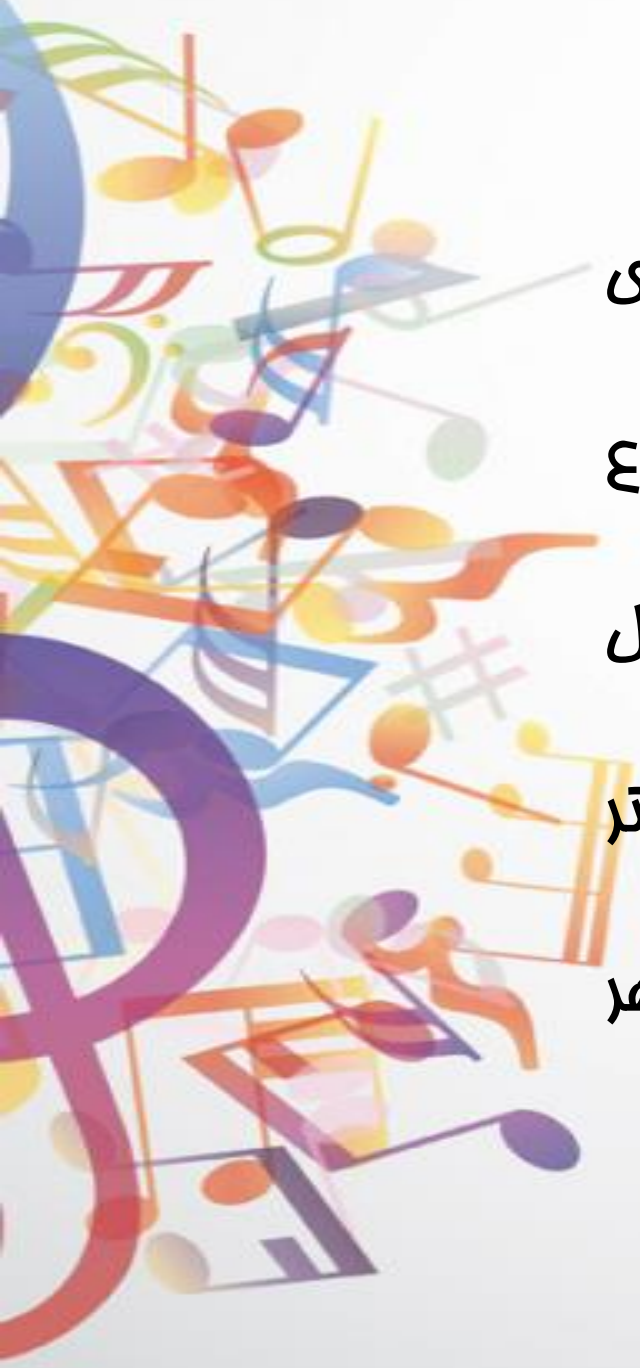
مفاعیلن مفاعیلن

قدم در راه بی برگشت بگذاریم

ق دم در را / ه بی بر گش / ت بگ ذا ریم

— — — U / — — — U / — — — U

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن



چنان که می بینیم ، شعر نیمایی وزن عروضی دارد ؛ اما کوتاهی و بلندی مصراع ها و نیز تعداد هجاها برابر نیست . به بیان دقیق تر ، اگر یک مصراع با وزن واژه « مفاعیلن » سروده شد ، بقیه مصراع ها نیز به همین شکل سروده خواهند شد ، اما ممکن است مصراعی یک یا چند هجا و پایه ، بیشتر از مصراع دیگر داشته باشد ؛ یعنی لازم نیست که تعداد وزن واژه های هر بخش آن یکسان باشد .

البته کوتاهی و بلندی مصراع های شعر ، در برفی از قالب های شعر کهن نیز پیشینه داشته است

؛ برای نمونه ، به شعر زیر که در « **قالب مستزاد** » سروده شده است توجه کنید :

یک روز سفید

وز بخت سیه ندیده ام هیچ زمان

این حرف شنید

در میرتم از بخت بد خود که چه سان

مفعول فَعَلَ

وزن شعر : مفعول مفاعیل مفاعیل فَعَلَ

یا

مستفعل فع

مستفعل مستفعل فع

نکته: در شعر نیمایی همچون شعر سنتی ممکن است با اختیارات شاعری سرو کار داشته باشیم

نام گذاری وزن ها

در عروض سنتی برای هر یک از وزن ها اسمی نهاده اند ، مثلا وزن ماضل از تکرار ارکان زیر را چنین می نامند :

مفاعیلن : هزج / فاعلاتن : رمل / مستفعلن : رجز / فعولن : متقارب

اگر چه واحد وزن شعر فارسی مصراع است ولی برای نام گذاری به شیوه عروض عرب بیت را مبنای محاسبه قرار می دهند که به آن « بحر » می گویند .

ارکان عروضی به خانواده هایی تقسیم می شوند که به هر یک از آن ها بحر گفته می شود .

بحر نام عروضی وزن هر بیت است .

کوتاه ترین مصراع شعر سنتی **دو رکن** و طولانی ترین آن **چهار رکن** دارد که در مجموع ، بیت های شعر فارسی **۴، ۶ یا ۸** پایه خواهد داشت .

اگر تعداد پایه های **بیتی ۴ تا باشد « مربع »**

اگر تعداد پایه های **بیتی ۶ تا باشد « مسدس »**

اگر تعداد پایه های **بیتی ۸ تا باش « مثنی »**

چنان چه پایه آخر ، کامل باشد « سالم » و اگر یک هجا از رکن پایانی حذف شود « **مخوف** » نامیده می شود .

در نام گذاری بحر شعر باید :

۱. نام بحر نوشته شود .

۲. تعداد ارکان بیت ذکر شود

۳. به کامل یا مخوف بودن پایه آخر دقت کنیم و سالم یا مخوف بودن آن را بیان کنیم .

چند مثال برای پایه ها و بحر های متفاوت:

مثال ۱: من همیشه مستمنده / وز غم عشقت نژده

می بینید که بیت دارای **چهار رکن کامل** « فاعلاتن » است بنابراین بحر این بیت «**رمل مربع سالم**» است .

مثال ۲: ای بهتر از هر داوری / بگشای کاره را دری

می بینید که بیت دارای **چهار رکن کامل** « مستفعلن » است بنابراین بحر کامل این بیت «**رجز مربع سالم**» است .

مثال ۳: صبا و ابر مروارید گستر / چه پنداری چه نقاشند و زرگر

چنانچه می بینید بیت بالا دارای **شش رکن مفاعیلن** است اما **رکن پایانی کامل نیست** و یک هجا از آخر آن حذف شده است ؛ بنابراین بحر این بیت «**هزج مسدس محذوف**» است .

مثال ۴: فریدون فرخ فرشته نبود / زمشک و زعنبر سرشته نبود

می بینید که بیت دارای **هشت رکن فعولن** است اما **رکن پایانی کامل نیست** و یک هجا از آخر آن حذف شده است ؛ بنابراین بحر این بیت «**مقارب مثنی محذوف**» است .



از بحر هایی که گفته شد ، بحرهای زیر رواج بیشتری دارند :

مقارب مثنیٰ سالم : فعولن فعولن فعولن فعولن

مقارب مثنیٰ محذوف : فعولن فعولن فعولن فعل

هزج مثنیٰ سالم : مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

هزج مسدس محذوف : مفاعیلن مفاعیلن فعولن

رمل مثنیٰ سالم : فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

رمل مسدس محذوف : فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

ریز مثنیٰ سالم : مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن



بايان